سیدهاشم سدید 24/01/2017

بهانه ای برای تکملهٔ باقی مانده های دلیل این تغییر چیست

(قسمت دوم)

علاوه بر آنچه اروپائیان در دوران اقامت خویش در سرزمین فلسطین طی دوران جنگ های صلیبی از مسلمانان آموختند، ورود و اقامت مسلمانان طی کم و بیش هشت قرن در اسپانیا، و در همسایگی یا نزدیکی برخی از کشور های اروپائی، سبب آشنائی بیشتر اروپائیان به فرهنگ و تمدن اسلامی گردید و همین آشنائی ها سبب شدند تا اروپائیان به ترجمه کتاب های مسلمانان ـ نوشته شده توسط خود مسلمانان، تألیف و ترجمه یا فراهم شده ـ و اندوخته های علمی آن ها که بعضاً ریشه در کار ملت هائی دیگر مثل هند و چین و یونان و روم داشت، شوند.
آقای عبدالرسول یعقوبی دریکی از مقاله های چندین صفحه ئی خویش، در حالی که رفرنسی به صفحهٔ 746 کتاب تاریخ تمدن اسلامی نوشتهٔ علی اصغر حلبی می دهد، اشارهٔ مختصری به ریزه خواری های اروپائیان از کار های فرهنگی مسلمانان دارد که بد نیست آن را به عنوان تأئید مدعا در اینجا نقل کنم:
"لیبری در این باره می نویسد: اگر نام اسلام و مسلمین از تاریخ خارج شده بود، عصر تجدید حیات علمی اروپا تا چندین قرن دیگر عقب می افتاد... چگونه می توان تاثیر تمدن اسلامی را در تجدید حیات علمی اروپا نادیده گرفت، درحالی که دانشمندان اروپایی تا قرن پانزدهم، قولی را که از مصنفان اسلام نبود، مستند نمی شمردند... دانشمندان متعددی بودند که یا شاگرد علمای اسلام بودند و یا ناقل اقوال آن ها... آلبرت بزرگ هرچه داشت از ابوعلی سینا گرفته بود؛ سن توماس تمام فلسفه اش از ابن رشد بوده است؛ در دانشگاه های ایتالیا به ویژه دانشگاه پادو هم نفوذ و تسلط علوم اسلامی کم تر نبوده است و مؤلفان و تصانیف مسلمین در این دانشگاه ها، همان مقام را حایز بودند که در تجدید حیات علمی اروپا کتب یونان و روم آن مقام را داشتند... نفوذ مسلمانان - به طور عموم - و تاثیر ترجمه کتاب های دانشمندان اسلامی به خصوص به قدری است که هنوز واژه هایی که ریشه اسلامی و عربی دارند در زبان لاتین رایج است. از این نمونه است: ترافیک (Trafic) ، تعرفه (Tarrif) ، چک (Checque) ، ریسک (Risk) ، مگزین (Magazin)، کالیبر (Colbr) و کابل (Cable). این ها همه ریشه عربی دارند. در اخترشناسی نیز Beteleuse (الجوزاء) ، Algole (راس الغول) ، Famolhout (فم الحوت) ، zemite (سمت الراس) ، Nadir (نظیر سمت) و Azimouth (السموت زاویه) نیز ریشه عربی اسلامی دارند... پس از چهار قرن که از ظهور تمدن اسلامی در اندلس (طلیطله) گذشت، با پیش روی تدریجی اروپاییان در داخل تمدن اسلامی، چشم های خفته اروپاییان از خواب گران بیدارشد. شاه آلفونسوی، که طلیطله [شهری در اندلس که دارای کتابخانه های بسیار و پر از کتاب های گوناگون بود ـ نگارندهٔ این مقاله] را فتح کرده بود، چنان تحت تاثیر رعایای جدید مسلمان خود قرار گرفت که بر خلاف میل اسقف ها، خود را امپراتور دو دین خواند... ریموند طلیطلی اسقف مسیحی دیگری است که در حقیقت، نخستین مدرسه مطالعات شرقی را در اروپا در نیمه سده دوازدهم پایه گذاری کرد. او دانشمندان را از کشورهای مختلف گردهم آورد و آنان را واداشت تا زبان عربی را فرا گیرند و آثار عربی را ترجمه کنند... تاثیرات ارزشمند علمی دانشمندان مسلمان بر اروپا و به خصوص بر تجدید حیات علمی آنان (رنسانس) محدود به یک یا دو رشته علمی نمی گردد، بلکه آنان در رشته های گوناگون علمی همچون ریاضیات (حساب، جبر و مثلثات)، هیئت، فیزیک و نورشناسی، شیمی، طب، جغرافیا، فلسفه، ادبیات و فنون (تکنولوژی) توانایی های خود را بر اروپاییان عرضه کردند."
می خواهم لحظه ای را به آنچه پروفیسور گوستاو لوبون فرانسوی نیز در بارهٔ شهر طلیطله و کتاب هایش نوشته است، صرف کنیم؛ خالی از مفاد نخواهد بود. او می گوید: "در سال 1130 میلادی دار الترجمه ای در طُلَیْطَلَه یکی از مناطق اروپا تحت ریاست اسقف اعظم رایمند، تأسیس شد و تمام کتب مشهورعلمای اسلام را از عربی به لاتین شروع به ترجمه نمودند و از این ترجمه ها موفقیّت کاملی حاصل گردید، یعنی چشمهای اروپائیان از این کتب باز شده و دنیای تازه ای را توانستند به نظر بیاورند. این دارالترجمه نه تنها کتب محمّد زکریّای رازی بلکه نوشته های ابن سینا، ابن رشد آندلسی را که از علمای اسلام بودند به لاتین ترجمه نمودند، و از همه مهمتر مصنّفات جالینوس، ذیمقراطیس، افلاطون، ارسطو، اقلیدس، ارشمیدس، بطلمیوس را که مسلمین از یونانی به عربی ترجمه کرده بودند ازعربی به لاتینی برگرداندند" (ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی از دیدگاه ژول لابوم، مترجم محمد رسول دریائی، ص 345)
بحث را با اعترافات چند مؤرخ و فیلسوف و شرق شناس و اندیشمند و اسلام شناس نامور دیگر غربی در مورد تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر تمدن و حیات فکری ـ فرهنگی ـ علمی اروپائیان به مثابهٔ مشت نمونهٔ خروار دنبال می کنم:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

1- کریستف کلمبوس، دریانورد ایتالیائی:
"من مقصد عالی خود را که کشف راه هندوستان بود از کتاب (ابن رشد اندلسی) عالم اسلامی کسب کرده ام تا در نتیجه از آن راه توانستم موفق به کشف جزیره آمریکا گردم ." (ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی از دیدگاه ژول لابوم، ص 361).
2- لویس ویلیام هنری هال:
آقای حلبی در قسمتی از کتاب تاریخ تمدن اسلامی، صفحات 71 و 72، بخش مختصری از یاداشتی آقای لویس هنری هال را در مورد مسلمانان به طور بسیار فشرده نقل نموده می نویسد:
"لوییس هنری هال اعتراف می کند که مساعدت های مسلمانان به ذخیره علمی و معرفت ریاضی دنیا به حدی است که زمانی طولانی نیاز است تا بتوان میزان آن را ارزیابی نمود. او علم «جبر» در ریاضیات را مدیون مسلمانان می داند و تحول ریاضیات اروپایی را ناشی از اعداد - به اصطلاح - عربی می داند که از مسلمانان اقتباس کردند.
3- و. و. بارتولد:
در مورد باتولد آقای یعقوبی، عبدالرسول طی مقاله ای نوشته می کند: "وی باصراحت، از تاثیر کلیسا برعقب ماندگی و متقابلا بالا رفتن سطح آگاهی عمومی سخن می گوید و هم چنین ضمن مقایسه تمدن بیزانس با تمدن اسلام، یکی از امتیازات بزرگ امپراتوری اسلام نسبت به تمدن بیزانس را «آزادی دینی » می داند; آزادی ملهم از قرآن. مستشرقان بسیاری از آزاد اندیشی دینی، که موجب رشد و شکوفایی است، سخن می گویند."
4- جرجی زیدان، روزنامه نگار، تاریخدان و داستان نویس (نویسندهٔ رمان های تاریخی) معروف مسیحی لبنانی الاصل که با اندیشمندان، اسلام شناسان و شرق شناسان سرشناس اروپائی، چون وان دایک، مارگلیوث، نولدکه، گولدتسهیر و... رابطهٔ نزدیکی داشت و همنشین بود، پس از آنکه همت و تشویق امراء و حکام مسلمان را به عنوان یك عامل بسیار مؤثر در شگوفائی تمدن اسلامی یاد می کند، می گوید:
"دانش پروری و علم دوستی بزرگان اسلام سبب شد که روز به روز مؤلف و کتاب در قلمرو اسلام فزونی یابد و دائره تحقیق وسعت پیدا کند، پادشاه و وزیر و امیر و دارا و نادار و عرب و ایرانی و رومی و هندی و ترك و یهود و مصری و مسیحی و دیلمی و سریانی، در شام و مصر و عراق و فارس و خراسان و ماوراء النهر و سند و افریقا و اندلس و غیره در تمام شبانه روز به تالیف مشغول شدند و خلاصه آنکه هرجا اسلام حکومت می کرد علم و ادب به سرعت پیشرفت می نمود، تالیفات گرانبها خلاصه ای از تحقیقات بنی نوع انسان از روزگار پیشین تا آن زمان دیده می‌شد و مباحث مهمی از علوم طبیعی، الهی، نقلی، ریاضی، ادبی و عقلی در کتب جمع شده بود و در نتیجه تحقیقات علمای اسلام، علوم مزبور دارای شعب متعدد گشت."
عبارت: "پادشا و وزیر و امیر و دارا و نادار و عرب و ایرانی و رومی و هندی و ترک و یهود و مصری و مسیحی و دیلمی و سریانی، در شام و مصر و عراق و فارس و خراسان و ماوراء النهر و سند و افریقا و اندلس و غیره در تمام شبانه روز به تألیف مشغول شدند و خلاصه آنکه هر جا اسلام حکومت می کرد علم و ادب و سرعت پیشرفت می نمود..."، حاکی از این حقیقت است که در آفرینش تمدن اسلامی، خلاف تصور خیلی از مسلمانان، تنها اعراب و مسلمانان سهم نداشته اند، بلکه اقوام و ملل مختلف و ادیان و مذاهب گوناگون نقش داشته اند. دلیل این که آن تمدن را تمدن اسلامی می خوانند چند مطلب است:
یک: در سرزمین های اسلامی ظهور کرد؛
دو : به کوشش و تشویق و حمایت حکمرانان عرب نژاد به وجود آمد و شگوفا شد؛ اگرچه وزرا و مشاورین و بلندپایگان غیر عرب، مانند برمکیان و...، نیز در بسا موارد موجب و مؤید کار های سازندهٔ حکمرانان، خواه عرب و خواه مغول و ترک و... برای این کار می شدند؛
سه: ارزش و وجوب تحصیل علم به تأسی از احادیثی چند از پیامبر، و بعضی از آیات قرآن؛ از جمله این حدیث "فضل العلم احب الی الله من فضل العبادة"، یعنی: "ارزش علم نزد خدا محبوب تر از ارزش عبادت خداست." و این حدیث: "اطلبوا العلم و لو بالصین"، یعنی: "به دنبال علم بروید، حتی اگر در چین باشد!" (توصیه هائی که برخی از مسلمانانی که خود را از همه نزدیکتر به پیامبر و قرآن و خدا و اسلام می دانند، مانند طالب ها و حقانی ها و داعش ها و برادران افغان و عرب و پاکستانی و... شان اصلاً آن را نه ارج می گذارند و نه عملی می کنند.) و ذکر قلم و کتاب و آموختن و تعقل و...
محمد مفتح در کتاب نقش دانشمندان اسلام درعلوم، صفحات 10 - 12 در این رابطه نوشته می کند: "از دیگر ویژگی های ممتاز اسلام در تمدن سازی، پیکار با بی سوادی است. انتشار دین اسلام، که مسلمانان به آن مامور بودند، مستلزم پیکار با بی سوادی بود؛ زیرا آیات قرآن کریم نوشته می شد و کسی که توانایی داشت آن ها را برای دیگری می خواند... پس از جنگ بدر، برای رهایی هر اسیری آموختن دو طفل از اهالی مدینه مقرر شده بود و این یک نمونه روشن از طرز فکر بنیانگذار اسلام است. پیامبر اسلام برای بعضی یاران خود، حتی یادگرفتن زبان بیگانه را لازم شمردند و زید بن ثابت را مامور یاد گرفتن زبان یهود نمودند... عده دیگری را نیز حضرت وادار کرد زبان سریانی بیاموزند."
این بخش را برای اجتناب از ملالت و تکدر خوانندگان گرانمایه درهمین جا به پایان می رسانم. در بخش بعدی با دو نوشته نسبتاً طولانی از یک نویسنده و اندیشمند آگاه و صاحب نام ایرانی، مرحوم محمد علی فروغی، از کتاب "سیر حکمت در اروپا"، صفحات 83 تا 87؛ و یک نویسنده و تاریخ دان امریکائی، دکتر ویلیام جمیز دورانت، از کتاب گرانسنگ "تاریخ تمدن" بخش اول، جلد چهارم، صفحات 296 تا 299 آشنا خواهیم شد؛ تا آن که برسیم به توضیح مختصرعلت اساسی و اصلی نوشتن مقالهٔ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

دلیل این تغییر چیست و این که چرا کلمات "تغییر" و "فروپاشی" به ارتباط تمدن درخشان اسلامی در آن مقاله به کار رفته است؛ نه لغت مرگ! تا آن وقت خدا نگه دار همه!

ادامه دارد

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ